

5929

پرسش و کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

اتقلاب دل

(شرعی برعزت و دیگر کونی های قلب روحانی انسان)

مؤلف و محقق:

سید محمد سجلی

سرشناسه: سجادی، سید محمد، ۱۳۶۸
 عنوان و نام پدیدآور: انقلاب دل (شرحی بر حالات و دگرگونی های قلب روحانی انسان) /
 مؤلف و محقق: سید محمد سجادی
 مشخصات نشر: کاشان: محتمش، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری: ۹۰ ص.
 شابک: ۸-۰۰-۸۵۵۶-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس
 یادداشت: عنوان دیگر: شرحی بر حالات و دگرگونی های قلب روحانی انسان
 موضوع: قلب - سبب ها - مذهبی - اسلام
 موضوع: قلب - جنبه های قرآنی
 موضوع: قلب - عبادت
 موضوع: اخلاق اسلامی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۵۸ / ۵۵ / ۵۵۰ / BP۲۵۰
 رده بندی دیویی: ۶۳۲ / ۲۹۷
 شماره کتابشناسی: ۹۵۴۲۷۵۹

Mohtasham.pub@gmail.com

صندوق پستی ۸۷۱۳۵/۱۱۳۶



انقلاب دل (شرحی بر حالات و دگرگونی های قلب روحانی انسان)

مؤلف: سید محمد سجادی

ناشر: انتشارات محتمش

چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی قم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: کاشان، خیابان امیرکبیر، بلوار الفدیر، غدیر ۱۸، انتشارات محتمش

تلفن: ۰۳۱۵۵۳۳۷۷۵۹ - ۰۳۱۵۵۳۳۷۷۸۸

«حق چاپ محفوظ است.»

فهرست مطالب

۷	پیش گفتار.....
۱۰	مقدمه
۱۶	قلب عاتق تا اوم حیات
۱۹	بخش اول: منزلت قلب
۳۳	بخش دوم: اسامی دل
۳۵	قلبی که مشغول به دنیا است
۴۰	قلبی که مشغول به عقب است
۴۳	قلبی که مشغول به مولا است
۴۷	بخش سوم: اعراب دل
۴۸	رفع قلب
۵۱	فتح قلب
۵۳	خفض قلب
۵۷	وقف قلب
۶۱	بخش چهارم: حالات قلب

فهرست مطالب

۶۲	صدر جایگاه اسلام
۶۵	قلب جایگاه ایمان
۶۸	فؤاد جایگاه معرفت
۷۰	لب جایگاه ذکر
۷۳	بخش پنجم: کیفیت قلب
۷۴	قلبی که در آن نفاق و ایمان است
۷۵	نفاق
۷۶	ایمان
۷۸	قلب واژگون
۷۸	انواع شرک
۸۲	قلب مطبوع
۸۴	قلب ازهر و اجرد
۸۶	بخش پایانی

پیش گفتار:

همه بر این بیان واقف هستیم که قلب انسان مهم‌ترین عضو بدن اوست که اگر قلب او بیمار شود تمام بدن او را کسالت و ناتوانی فرا می‌گیرد.

و این مطلب روشن است که برای سلامت قلبش حاضر است هر کاری انجام دهد. مراجعت به بهترین پزشک و هزینه کردن پولهای کلان برای درمان بیماری تبی‌اش که تا نجات پیدا کند و عمر بیشتری داشته باشد، لذا رسیدگی به قلبش از هر چیز ریش مهم و حائز اهمیت است.

- و اما ای فرزندان آیدایا به این آیات قرآن توجه کرده‌ای.

- **يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا نَبُورٌ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ بَلْ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَفِي قُلُوبِهِمْ**

- **إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.**

- **فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا.**

و آیات دیگر در این خصوص.

قُلُوبًا اخْجَاءَهُمْ بِأَحْسَنِ تَضَعُهَا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ.

آیا تا به حال به این آیات در قرآن توجه کرده‌اید؟

این قلب در این آیات چه قلبی است؟

قلب سلیم کدام قلب است؟

اطمینان قلب‌ها در چیست؟

قلب مریض چه قلبی است؟

زنگار قلب چگونه است؟

این قلب انسان که به بیانی دیگر دل است جایگاه محبت ها، عشق ها، دلبستگی ها، کینه ها و بغض ها است.

آیا تا به حال به قلب روحانی و معنوی که جایگاه محبت ها خدا و اهل بیت است توجه کرده ایم؟

آیا قلب روحانی و معنوی ما بیمار می شود؟

آیا برای زنگارهای دلمان که از سیاهی گناه به قساوت رسیده درمانی پیدا کرده ایم؟

آیا همانطور که برای سلامت قلب جسمانیمان هزینه می کنیم حاضریم برای نورانیت دلمان که هیچ هزینه دنیوی و مادی ندارد کاری بکنیم؟
و در پایان این قسمت بدانیم.

این دل جایگاه محبت خداست خانه دوستی اهل بیت است. جایی است که محبت خدا و اهل بیت در آن جاری می شود. اگر دره ای لکه گناه و حب بی جای دنیایی در آن باشد جایی برای حب خدا و اهل بیت نیست. دلمان را پاک کنیم از حب های غیر خدا و دوستی غیر اهل بیت.

خانه چو یک بیش نیست دوست یک بس بود

آن یک بی اشتراک ذات مقدس بود

تنها راهی که ما برای شناخت معنای قلب در قرآن پیدا کرده‌ایم این است که در قرآن جستجو کنیم ببینیم چه کارهایی به قلب نسبت داده شده و چه آثاری دارد و از راه مطالعه آثارش را بشناسیم.

ما هنگامی که با چنین دیدی به موارد کاربرد واژه قلب در قرآن می‌پردازیم درمی‌یابیم که حالات گوناگون و صفات مختلفی به قلب نسبت داده شده که یکی از آثارش که شاید مهمترین آنها باشد ادراک اعم از حصولی و حضوری که با تعبیر مختلف قرآن نشان داده می‌شود و درک کردن از شئون قلب است. از این روشت که قرآن با تعبیر مختلف و با استفاده از کلماتی از خانواده عقل، فهم، تدبیر و ... کار ادراک و عدم ادراک را به قلب نسبت می‌دهد.

یعنی حتی در آنجا که ادراک را از قلب می‌گویند می‌کند. می‌خواهد این حقیقت را القاء کند که قلب کار خودش را انجام نمی‌دهد و محکم نیست. یعنی شأن قلب ادراک است و حقاً آفریدیم برای جهنم بسیاری از جن را آنس را که دل داشتند ولی با آن نمی‌فهمیدند.^۱

مقدمه

لَا يَسْتَعْنِي أَرْضِي وَ لَا سَمَائِي وَ لَكِنْ يَسْتَعْنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِن. زمین و آسمان هم، گنجایش تجلی حقیقی مرا ندارد، اما دل بنده مؤمن دارای چنین گنجایش و وسعتی است.

حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که یکتا و قدرتمند است که با عزت و جبروت است، خداوند مهربان و آمرزنده، خالق آسمان و زمین و نور و ظلمت، خداوندی که برای زمان و دیگر کار، مقدار تعیین کرده است خداوندی که علت همه معلول‌ها، زنده کننده مردگان آگاه به شکر و نمان، عالم بر گذشته و آینده، قدرتمند و صاحب مکنّت است. و او را در همه - من سپاس می‌گویم، و برای انجام بهترین کارها از او راهنمایی می‌خواهم و از گمراهی و ضلالت به او پناه می‌برم و او را شکر می‌کنم به طوری که موجب افزایش نعمت و رسیدن به وعده‌های الهی گردد و از او می‌خواهم تا مرا راهنمایی کند تا اعمالی که انسان را از هلاکت نجات دهد انجام دهم. و سلام و درود به پیشگاه مقدس خاتم الانبیا والمرسلین حضرت محمد (ص) که پیامبر مهربانی است و دارای قلب رحیم و عطف است و سلام به محضر مولای متقیان امیرالمؤمنان علی ابن ابی طالب که قلب تپنده شیعه است و سلام و درود بی‌کران به پیشگاه ائمه معصومین (ع) و اما بعد:

آری، قلب، خانه حقیقی خداست و آیات و روایات بر این حقیقت دلالت دارد. از عارفی پرسیدند: اول عضوی که در رحم مادر به هنگام شکل گرفتن انسان تکوین یافت چه بود؟ فرمود: قلب. عرضه داشتند: از معارف الهی چه دلیلی بر این مسئله دارید؟ فرمود: آیه شریفه: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكَةٍ، يَقِينُ** نخستین خانه‌ای که برای نیایش و عبادت مردم نهاده شد همان است که در مکه است که پربرکت و وسیله هدایت برای جهانیان است.^۱

دلیل این واقعیت، است همان طور که در آیه می‌فرماید: اول خانه‌ای که برای مردم بنا شد همان خانه مکه است که جهت عبادت مردم بنا شد، وقتی اول خانه همان خانه مکه، برای عبادت حق باشد، پس باید گفت: به همین دلیل اول عضوی که در وجود ساخته شد قلب است که خانه شدت و معیت اوست، و در حقیقت در مملکت هستی انسان اول جایی که بنا کرد خانه مربوط به خودش بود و اعتبار و ارزش و اهمیت و قدر قلب هم در همین است.

البته این ارزش و اهمیت، ارزش استعدادی است و ارزش بالقوه این برای انسان کافی نیست، آدمی باید با توجه به معارف الهی و عمل به ورو و مقررات الهی، سعی کند که صنعت سلامت را برای قلب کسب کند و تا جایی بکوشد که سلامت با قلب متحد شود و به فرموده‌ی قرآن، قلب آدمی، قلب سلیم شود.

^۱ آل عمران

دقت کنید که نفرموده قلب سالم، سلامت را به صیغه فاعل استعمال نکرده، بلکه به صفت مشبه بیان می‌کند و با این عنوان می‌خواهد بگوید: سلامت باید با قلب یکی شود و چون صفت و موصوف با هم متحد گردند. زیرا از این طریق آگاهی و عمل، چنین قلبی به دست آمد. این قلب در تمام موارد و شئون علت تجلی نیست صادقانه است.

و سبب توجه است که نیت صادقانه از قلب مریض و دل علیل پیدا نمی‌شود. قلب برای نیت مناسب است. اگر ریشه ضعیف و ناتوان باشد، اگر ریشه فاسد باشد چه گونه میوه نایل خواهد بود.

راستی باید به ریشه توجه کرد، اگر ریشه آراسته به صلاح و سداد شود تمام محصولات آن الهی خواهد بود ولی اگر توجه به قلب نشود و عوارض و مفاصل بر در و دیوار این خانه هم چون سیاهی شب حاکم باشد از این خانه تاریک چگونه توقع نور و روشنایی، آن هم نور الهی خواهید داشت.

قلب باید از خیلی عوارض و بلکه از تمام رذایل پیراسته و به تمام فضایل آراسته گردد، تا به صفت سلیم متصف گردد و از چنین قلبی انوار الهی تجلی شود و در نتیجه از انسان طبیعی انسانی الهی و ربانی ساخته می‌شود و از این موجود مساوی با حیوان موجودی برتر از تمام ملائکه به وجود می‌آید.

فلذا طبق آیه قرآن **مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبِي فِي جَهَنَّمَ**^۱

برای هیچ کس در باطنش دو دل قرار نداده‌ام تا با دلی متوجه من و با دل دیگر متوجه غیر گردد پس هر کس متوجه خداست بیگانه از غیر و آشنای غیریگانه از خداست.

و این آیه به این معنا نیست که انسان حق ندارد چیزی جز خدا را دوست داشته باشد، بلکه متوجه این معناست که تمام دوستی‌ها باید تابع دوستی و عشق به حضرت حق باشد. چه زیبا فرمود: عین القضاء، عارف معروف در «تمهیدات».

ای عزیز بدان که راه خدا نه از جهت راست است و نه از جهت چپ و نه بالا و نه زیر و نه دور و نه نزدیک و راه خدا در دل است و یک قدم است، «دَعِ نَفْسَكَ وَ تَعَالَ» خود را از همه آلودگی‌ها بری و پاک کن و بالاترین رذیلت که منیت است و آن اساس تمام بدبختی‌هاست از خود بریدن و آن راه به جوار قرب و حرکت کن.

قلب با معرفت در مسائل الهی پابرجا و غواص دریای معانی و حقایق است، قلب با معرفت، چراغ روشن الهی در میدان هستی انسان است و نمونه عبد به ماورای عالم و مقصد میهمانی بارگاه قدس الهی است. قلب با معرفت از ارزشی برخوردار است که در تمام آفرینش چیزی به مانند آن از ارزش برخوردار نیست.

قلب با معرفت صاحبش را از پستی خاک نجات داده و به اوج عالم پاک می‌رساند.

صاحب قلب با معرفت بنا به روایات از ملائکه الهی بالاتر و بلکه از ملائکه مقرب حق افضل و برتر است.

چنین قلبی را به دستور حضرت صادق (ع) قبله زیان قرار بده تا نور معرفت در ذکر تجلی کرده و بفهمی چه می‌گویی و از که می‌گویی و برای که می‌گویی. آن وقت است که نور ذکر در تمام وجودت تجلی می‌کند و در آن نور به درک معانی ذکر نایل آمده و در حقیقت به حقیقت صفات دوست آشنا شده و برای آراسته شدن به آن صفات تا مرز جان دادن حرکت خواهد کرد.

اما مشکامی که دل خانه شیطان شود و فکر و ذکر و هستی جز مادیت و متعلقاتش در آن راه داشته باشد انسان متبع گناه و فساد می‌گردد و به هوی و هوسها اتصال پیدا کرده به هر لذت و امر دچار می‌شود.

انسان بنابر آیات قرآن برابر طلب مسئول است و بر اوست که از این خانه خدا مواظبت کند که مرکز بت‌ها نباشد و انسان را به بت پرستی نکشاند.

بهترین وسیله برای حیات قلب اندیش در خویش و جهان مبدا و معاد و به خصوص در آیات قرآن و معارف الهیه است.

دل اگر سالک این مسلک گردد از هر شری خلاص و به هر خیری آراسته می‌شود و در عصمت و عافیت و محافظت حق خواهد رفت.

آزادی از اسارت شیطان، آزادی از گناهان ظاهر و باطن اندیشه، درستی حقایق، دل را آراسته به طهارت می‌کند و زمینه توجه به حضرت حق و اندیشه در صفات و اسماء را برای انسان فراهم می‌سازد و این همه بدست نمی‌آید مگر به توفیق حق و توفیق رفیق راه نمی‌شود مگر اینکه زمینه به دست آوردنش را خود انسان با معرفت فراهم آورد.

وی در دل و جان ما کجایی
 سرمست زکوی ما در آیی
 آخر نه تو جان جان مایی
 گر بر سر بام خود بر آیی
 تا لاف زند ز روشنائی
 هم دفع بلا و هم بلایی
 ای دیده دل چه می نمایی
 می آید بوی آشنایی
 بر زخم جراحت جدایی
 چیزی ز صفت خدایی

(شمس تبریزی)

والسلام

سید محمد سجادی

۱۳۸۵

۱۹ جماد الثانی ۱۴۳۷

۹ اسفند ۱۳۸۵

ایام فاطمیه

ای بی تو محال جان فزایی
 گر نیم شبی زنان و گویان
 جان پیش کشیم و جان چه باشد
 در بام فلک و افتد آتش
 با روی تو چیت قرص خورشید
 هم چشمی و هم چراغ ما را
 در دیده نالایب مردم
 ای بلبل مکتب از فغانست
 می نال که ناله مرسوم آمد
 تا کشف شود ز ناله تو